

چند ساعتی همراه با کارگران کارگاه صحافی کتاب خدا

دقت و هنر در صحافی حرف اول را می‌زند



۱

کاغذهای بزرگ چاپ‌شده قرآن مستقیم از چاپخانه به کارگاه صحافی می‌رسند. در اولین مرحله اوراق بزرگ که هرکدام چندین صفحه پشت و رو از آیات قرآن هستند، توسط شخص به ترتیب روی دستگاه مکانیزه قرار داده می‌شوند، تا تسمه پیچ شده و به مراحل بعدی کارگاه صحافی برسد.

آهنگ شبیه به حرکت قطاری که نرم و آهسته می‌رود، فضای کارگاه صحافی را پر کرده است. صدای دستگاهی که صفحه‌های بزرگ کاغذ را تا می‌کند، اجازه نمی‌دهد صدا به صدا برسد. کارگران صحافی صدایشان را در گلو می‌اندازند تا شاید کلامشان راحت‌تر به گوش همکارانشان برسد. اینجا کارگاه صحافی کتاب قرآن کریم است.

محدوده‌ای نزدیک به میدان ابن سینا در تهران، حوالی دروازه شمیران. برای اینکه چرخ این کارگاه صحافی بچرخد حداقل باید ۲۰ نفر به‌طور هم‌زمان در یک چرخه، شتابان کار کنند. اولین نفر اوراق چاپ‌شده قرآن را در دستگاه می‌گذارد. دومین نفر نظارت می‌کند که اوراق طبق صفحه، تسمه پیچ شود. سومین نفر آن را روی میز طوری می‌چیند که نفر بعدی بتواند در رفت و آمد مکرر آن‌ها را به ترتیب روی هم قرار دهد و صفحات کتاب قرآن ردیف شود. دسته که شد نفر بعدی اوراق را به هم می‌دوزد. بعدی اوراق دوخته‌شده را برش می‌زند. آن یکی روبان می‌گذارد و دیگری چسب و این چرخه آن قدر جلو می‌رود تا یک جلد قرآن رحلی از کارگاه صحافی بیرون بیاید.

سخت‌ترین مرحله صحافی

«محمد شریفی» مسئول کارگاه می‌گوید: «بیشتر مراحل صحافی با کمک نیروی انسانی انجام می‌شود. بنابراین دقت و هنر در صحافی حرف اول را می‌زند. باسلیقه‌ها در این صنف اسم‌ورسم پیدا می‌کنند و کم‌حوصله‌ها در این کار دوام نمی‌آورند».

از سخت‌ترین مرحله کار صحافی کتاب قرآن می‌پرسم. همه به اتفاق به آقای «علی بیداری» اشاره می‌کنند مردی که از ۷ صبح تا ۷ شب یک خط ممتد را می‌رود و برمی‌گردد تا همه صفحه‌ها را به ترتیب روی هم بگذارد. حواسش جمع جمع است؛ این را خودش می‌گوید و توضیح می‌دهد: «از ۱۵ سالگی به این کار مشغولم».

می‌پرسم در روز چند قدم راه می‌روی؟

می‌گوید: «آن قدر که از اینجا برسم به شهر قزوین».

باورش سخت است. می‌گوید: «روزانه ۸۰۰ کتاب را روی هم می‌چینم.» باز هم باورش سخت است. معتقد است چیدن اوراق قرآنی روی هم برایش درست شبیه معجزه است.

چه معجزه‌ای؟

«باینکه اوراق قرآن رحلی بسیار سنگین است به خصوص قرآن‌های رحلی، اما خسته نمی‌شوم. در چیدن صفحه‌ها قرآن صدها برابر تمرکز می‌کنم. مسئولیت سنگینی بر دوش دارم. وقتی به این فکر می‌کنم که در حال جمع کردن معجزه‌ای به نام کتاب قرآن هستم بدنم به لرزه می‌افتد».

همه کارگران این کارگاه نسبت به صحافی کتاب قرآن حس و حال دیگری دارند در مجموع معتقدند که صحافی قرآن آن‌ها را خسته نمی‌کند. این در حالی است که این کتاب در ابعاد رحلی یکی از سنگین‌ترین کتاب‌ها است که همیشه در تعداد زیاد هم سفارش داده می‌شود.



۲

اینجا با حواس ترین مرد صحافی، اوراق را طوری روی هم می‌چیند که کتاب قرآن از صفحه یک شروع شود و بدون هیچ اشتباهی تا آخرین صفحه برود. مردی که همیشه وضو دارد. از فوت کوزه‌گری‌اش این را می‌گوید که همیشه انگشتانش را به روغن گلیسیرین آغشته می‌کند تا اوراق خوب به دستش بیاید یا صفحاتی که به دنبال هم ردیف شده‌اند، جا نمانند. او معتقد است هر که با قرآن سروکار داشته باشد دلش جلا می‌گیرد حتی اگر سواد هم نداشته باشد.